

علاج واقعه قبل از وقوع

یافته‌های علمی و عملی حاصل

از بررسی کارشناسان فن در مقام چاره‌جویی

برآییم و علاج واقعه را قبل از وقوع انجام دهیم.

دوستان ما شاهدند که ما بارها و بارها در همین صفحه یا لابه‌لای صفحات فصل‌نامه‌مان در ارتباط با بلاای طبیعی و راه‌های مقابله با آن‌ها (به‌ویژه زمین‌لرزه‌ها) سخن گفته‌ایم و باز هم یادآور می‌شویم که کشور ما به دلیل موقعیت جغرافیایی - تکتونیکی روی کمربند چین‌خوردگی آلپی - هیمالیا که رشته‌کوه‌های جوان و در حال شکل‌گیری هستند قرار گرفته است. این شکل‌گیری از دو میلیون سال پیش آغاز شده است، و تاکنون ادامه دارد. کشورهای جای گرفته در این کمربند در ردیف مناطق بلاخیز جدی به‌شمار می‌آیند. کشور ما نیز جزء ده کشور اول این بلاخیزی است. بخشی از شکل‌گیری این کمربند با جابه‌جایی زمین‌ها و سرزمین‌ها همراه است که عامل اصلی آن چین‌خوردگی و گسلش‌ها در پوسته زمین است که اثر آن‌ها در زمین‌لرزه‌هایی ظاهر می‌شود.

هر روز اخبار این زمین‌لرزه‌ها را از رسانه‌ها دریافت می‌کنیم که تازه‌ترین آن‌ها همین زمین‌لرزه‌های اهر - ورزقان کشور خودمان است. نکته مهم در اینجا آن است که ما عادت کرده‌ایم همیشه بعد از وقوع چنین حوادثی به فکر بیفتیم که چه باید بکنیم و چاره چیست؟ جواب در یک جمله خلاصه می‌شود، اینکه علاج واقعه را قبل از وقوع

از زمان وقوع

زمین‌لرزه مخرب بوئین‌زهرها تا

زمین‌لرزه اهر - ورزقان (۱۳۹۱) حدود

پنجاه سال می‌گذرد. در این مدت، زمین‌لرزه‌های

ویرانگر دیگری چون دشت بیاض (۱۳۴۷)، خورگوشمال

بندرعباس (۱۳۵۶)، طبس (۱۳۵۷)، رودبار (۱۳۶۹) و

بم (۱۳۸۱) و تعدادی زمین‌لرزه‌های با شدت کمتر نیز

در این سرزمین به‌وقوع پیوسته‌اند که هر یک از آن‌ها

زبان‌های جانی و مالی هنگفت و غیرقابل جبرانی به‌ویژه

از دیدگاه ضایعات انسانی برجای گذاشته‌اند. آنچه از این

زمین‌لرزه‌ها به یادگار مانده مشتی اعداد و ارقام مانند تعداد

کشته‌ها و زخمی‌ها در هر واقعه، ویرانی کامل یا ناکامل

سرپناه ساکنین مناطق آسیب‌دیده و جمع‌آوری فلان مبلغ

کمک‌های مردمی و آماری از بازسازی واحدهای مسکونی

مناطق زلزله‌زده به‌دست دولت‌مردان با همیاری مردم بوده

و بعد هم پرونده این حادثه تا زمین‌لرزه بعدی بسته شده

است. ولی خدا و کیلی یک بار هم از عامل اصلی به‌جود

آورنده زمین‌لرزه‌ها، یعنی گسل یا گسل‌های مسبب آن،

بحث جدی به میان نیامده (اگر هم بحث شده در حد یک یا

چند جلسه خودمانی بوده است) که چگونه می‌توان بر پایه

بوته فراموشی سپرده شده‌اند. آیا وقت آن نرسیده است که برای مقابله با این بلا و سایر بلایای طبیعی، از دانش علوم زمین کمک بگیریم!؟

باید کرد. اکنون با تکیه بر دانسته‌های حاصل از علوم زمین به آسانی می‌توان عامل یا عوامل بلایای طبیعی از جمله زمین‌لرزه را که زمان وقوع آن قابل پیش‌بینی نیست، شناسایی کرد. به عنوان مثال می‌توان گسل‌های لرزه‌زا را که در زمان کوتاه‌تر فعالیت داشته‌اند و پیشینه تاریخی آن‌ها ثبت شده است مورد بررسی قرار داد و سازوکارهای آن‌ها را تجزیه و تحلیل کرد، و بر پایه اطلاعات به‌دست آمده، محل سازه‌های روستاها را تغییر و مقاوم‌سازی سازه‌ها را در دستور کار قرار داد.

خوشبختانه امروز در کشور ما اطلاعات پایه‌ای مانند نقشه‌ها و گزارش‌های زمین‌شناسی پایه در مقیاس‌های گوناگون که حاصل کار نیم قرن دانش‌آموختگان علوم زمین است وجود دارند که با به‌کارگیری آن‌ها می‌توان مناطق لرزه‌خیز را مشخص و بررسی‌های ویژه لرزه زمین ساخت را انجام داد و به مقاوم‌سازی مناطق مزبور در مقابل زمین‌لرزه پرداخت: یعنی همان کاری که کشورهای لرزه‌خیزی مانند ژاپن انجام داده‌اند.

ختم کلام اینکه با نگاهی به زمین‌لرزه‌های پنجاه سال اخیر کشور عزیزمان می‌بینیم که به‌طور میانگین هر ده سال یک زمین‌لرزه ویرانگر داشته‌ایم که در جریان آن‌ها شماری از هم‌وطنانمان جان باخته‌اند و هزینه‌های گزافی برای ویرانی‌ها پرداخته‌ایم، ولی با گذشت زمان به